

پاکسازی در ارتش و نیروهای مسلح

را باید با قاطعیت و موشکافی تمام، بدون لحظه‌ای درنگ انجام داد

وبه پایان رساند

آیا اگر پاکسازی ارتش بموقع، یعنی بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب انجام میگرفت، لوطه ضدانقلابی در پایگاه هوایی تبریز، با شرکت تعداد زیادی از افسران و درجه داران این پایگاه - حدود ۵۰ نفر - امکان پذیر بود؟ نه، امکان پذیر نبود.

آیا دستگیری ۲۰ نفر از توطئه گران، محاکمه آنها و پیگیری دیگر شرکت کنندگان در توطئه، بمعنای پاکسازی بنیادی نیروهای مسلح در آذربایجان است؟ نه، بمعنای پاکسازی بنیادی نیروهای مسلح در آذربایجان نیست.

آیا پاکسازی کردن توطئه پایگاه هوایی تبریز میتواند مطمئن شده که در دیگر پایگاهها و در دیگر پادگانهای ارتش در دیگر نقاط کشور، توطئه‌های ضدانقلابی دیگری رخ نخواهد داد؟ نه، نمیتوان مطمئن شد.

یازده ماه است که از پیروزی انقلاب میگذرد و عاقل ترین اقدام یعنی اقدام به پاکسازی ارتش، چنانکه باید، انجام نگرفته است. در این مدت دوازده مرتبه و دیگر نیروهای راستین انقلابی کتیم و تکرار کردیم که باید نیروهای مسلح را از عناصر فساد ارتش شاهنشاهی، و نیز از عناصری که برای دوران طاغوت آمه میکنند، پاک کرد و نیروهای مسلح پاک شده از عناصر بالقوه ضدانقلابی را نوسازی کرد، دخط بازگازان، فریاد بر آورده که ای اسمان، میخوانند ارتش را منحل کنند، مدتها، بدینوسیله، امر به پاکسازی ارتش، رایشت گوش انداختند، و سپس، بعدها، نوعی پاکسازی آغاز کردید، ولی چنان مومنی، سراسری و نادقیق، که تاکنون مشاهده میکنیم در پایگاه هوایی تبریز، نه دوسه نفر یا سه چهار نفر، بلکه یکبار ۵۰ نفر افسر و درجه دار دست اندر کار توطئه بوده اند!

حالا گذشتند پاکسازی بکنند و به وضع کنونی توجه کنیم.

آیا آشکار نیست که در برابر هر گامی که در جهت تثبیت و تعمیق انقلاب، هر گامی که جهت ایجاد نهادهای جمهوری اسلامی ایران برداشته میشود، ضدانقلاب، که زمین را زیر پای خود لرزان تر احساس میکنند، بر شدت فعالیت خود می افزایند؟

آیا آشکار نیست که ضدانقلاب، که صدای ناقوس سرگ خود را مینهند، هارتر از هر موقع دیگر میشود؟

آیا معلوم نیست که ضدانقلاب با تمام نیروی که در اختیار دارد میتواند در اختیار بگیرد، به مقاومت نومیذانه پرداخته و خواهد پرداخت؟

اگر چنین است، پس آیا میتوان با زخم پاکسازی ارتش را، که خطرناکترین لانه ضدانقلاب است، سراسری گرفت و بشقوق انداخت؟

حقیقت اینست که ارتش و بطور کلی نیروهای مسلح جانی نیست که بتوان در آنجا بازی کرد. حقیقت اینست که نبرد میان انقلاب و ضدانقلاب شدت گرفته و در آینده نیز شدت بیشتری خواهد گرفت و این روند تشدید نبرد تا زمانیکه ضدانقلاب بکلی ریشه کن نشده، ادامه خواهد یافت. این قانون هر انقلابی است، از جمله انقلاب ایران. لذا باید جمهوری اسلامی ایران از نیروهای مسلح خود خاطر جمع باشد، و تنها زمانی که

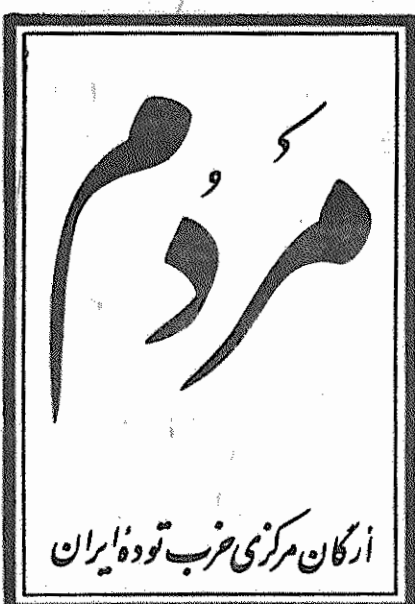
بقیه در صفحه ۲

وزارت امور خارجه در برابر تدارکات جنگی امپریالیسم آمریکا علیه ایران چه اقدام مشخصی تاکنون انجام داده است

طی دوران پس از پیروزی انقلاب در ایران، دولت آمریکا بتدریج واحدهای بزرگی از نیروهای دریایی و هوایی خود را از پایگاههای نظامی خود در مناطق مختلف جهان به منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند گسیل داشته و در این منطقه مستقر کرده است. اکنون چهار ناو هواپیمابر «نیستی»، «میدوی»، «کیتی-هاوک»، و «فوستول»، که هر یک با گروه بزرگی رزمناو موشک-انداز همراه هستند و یک ناو گروه مرکب از سی ناو جنگی، مجهز به مدمرترین سلاحهای تهاجمی، در آبهای مجاور سواحل ایران

تدارکات جنگی و تمرکز نیروهای مسلح دریایی و هوایی آمریکا در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند همچنان ادامه دارد. تمرکز و استقرار نیروهای مسلح عظیم در این منطقه، که با برنامه مشخص و هدف روشن، یعنی تهدید ایران بداخله مسلحانه انجام گرفته و میگردد، خطرناک جدی و واقعی و در عین حال تنها خطرناکترین تهدید است که امپریالیسم آمریکا، انقلاب ایران و استقلال کشور را و امنیت سراسر این منطقه را تهدید میکند.

استقرار یافته اند واحدهای چتر باز از پایگاه دیگر کارساید در اقیانوس هند بوسیله هلیکوپترهای جنگی به این ناوها انتقال داده شده اند. یک لشکر از تفکداران دریایی از پایگاه کارولینا به پایگاههای نظامی در خاک اسرائیل منتقل شده اند. تمام پایگاههای نظامی در اسرائیل، مصر، عمان و بحرین جهت پیاده کردن واحدهای انزوری ۱۱ هزار نفری و ارتش سریع آماده شده اند. طرحهای گوناگون پیشنهادی از جانب وزارت دفاع آمریکا در مورد نحوه تجاوز و مداخله مسلحانه علیه ایران در



دوره هفتم، سال اول، شماره ۱۴۸
سهشنبه ۲ بهمن ماه ۱۳۵۸ - شماره ۱۵۵ ریال

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران حزب توده ایران اقدامات ضد آزادی علیه سازمان مجاهدین خلق را شدیداً محکوم میکند

خبر رسیده است که در کرمانشاه گروهی از افراد بی مسئولیت به محل سازمان مجاهدین خلق در آن شهر حمله کرده، آنرا دستگیر نموده و امکان فعالیت آزاد را از سازمان مجاهدین خلق سلب کرده اند.

بنظر ما، اینکه اقدامات را باید در جابجوب تحریکات وسیعی جای داده که از طرف نیروهای ضد انقلاب برای تشنج ساختن محیط انتخاب ریاست جمهوری از چندی پیش آغاز گردیده، و همانطور که بارها یادآور شده ایم، هر روز دامنه گسترده تری پیدا میکند. در چنین محیطی کاملاً ممکن است که افرادی هم تا آگاهانه بدام توطئه ضد انقلاب بیفتند.

بسیار گویا و هشدار دهنده است که در اظهارات اشغال کنندگان به نمایندگی خبرگزاری پارس از جمله وجود مقادیری عکس و اسلاید و ماشین تحریر و دستگاههای چاپ و متداریزیادی

تامین مسکن

برای خانواده های کارگری و دهقانی نیاز به اقدامات جدی دارد

شورای انقلاب برای راتسویب کرده که بر اساس آن وزارت مسکن پنج هزار خانه ارزان قیمت در شهرهای کوچک و روستاها امتحان کردیم که اکثراً در خواهد ساخت. بعنوان نخستین راه تامین مسکن برای طبقه کارگر و دهقانان زحمتکش نیست. مثلاً دولت تصمیم به واگذاری وام زحمتکش و محروم، تصویب این طرح را تهنیت میگویم. ولی کارگر و دهقان، که آه در سبیل عقیده داریم که در دریای نیاز زحمتکشان به واحد مسکونی مناسب، این تصمیم فقط قطره ای ملافه تیان فراری دارد. اما کارگران

دولت و شورای انقلاب در مورد تامین مسکن شهروندان بر خانه مسکن پنج هزار خانه ارزان قیمت در شهرهای کوچک و روستاها امتحان کردیم که اکثراً در خواهد ساخت. بعنوان نخستین راه تامین مسکن برای طبقه کارگر و دهقانان زحمتکش نیست. مثلاً دولت تصمیم به واگذاری وام زحمتکش و محروم، تصویب این طرح را تهنیت میگویم. ولی کارگر و دهقان، که آه در سبیل عقیده داریم که در دریای نیاز زحمتکشان به واحد مسکونی مناسب، این تصمیم فقط قطره ای ملافه تیان فراری دارد. اما کارگران

روستائیان نه قادر به پرداخت بیش قسط این خانه ها هستند و نه برداخت اقساط بعدی آن صرف نظر از آنکه این خانه های طاغوتی، با آن ساختمانهای پت و بین و لوکس و برتجل، مناسب برای سکونت خانواده های محروم نیست، بقیه در صفحه ۲

مسئول وخامت اوضاع بین المللی امپریالیسم امریکاست

- اگر افغانستان وجود نمیداشت، آنگاه محافل معینی در ایالات متحده و بیمان ناتو بهانه دیگری می یافتند تا اوضاع جهانی را به وخامت بکشاند.
- علت برآشفتنی دولت آمریکا اینست که رویدادهای جمهوری دموکراتیک افغانستان اساساً در مجرای بکلی دیگری جز آنچه که آمریکا میخواهد، جریان می یابد.
- اراده ملتها تمام موانع را بر طرف خواهد کرد و راه پیشرفت و ترقی را خواهد گشود.

مناطق مختلف جهان و در درجه اول در اروپای غربی را توجیه کنند.

رئیس جمهور آمریکا با این ادعا که گویا اقدامهای اتحاد شوروی اوضاع و موقعیت جهانی را برنج کرده، توجه محافل جهانی را بکراهی میکشاند. ولی واقعیت چیز دیگری است. موضع خطرناک بعلت دسایس نیروهای ارتجاع و امپریالیسم جهانی بوجود آمده است. برای نمونه منطقه جنوب غربی آسا را در نظر میگیریم. آنها این هدف را در برابر خود قرار داده اند تا در این منطقه از دگرگونیهای انقلابی که پس از انقلاب ماه آوریل سال ۱۹۷۸ در افغانستان انجام گرفته، جلوگیری کنند و این کشور را بعقب، به دوران جبل و ظلمت قرون وسطایی برگردانند. فعالیت نیروهای مداخله گر بر ضد افغانستان از نخستین روزهای انقلاب همواره رو به تریاید بود و تجاوز در ماههای اخیر چنان شکل و میاسهائی بخود گرفت که موجودیت جمهوری دموکراتیک افغانستان را، همچون دولتی مستقل و دارای حق حاکمیت، بخطر انداخته بود.

بریزیدت کارت در نطقهای خود چنین تظاهر میکند که گویا او بر خیر است که از چه تجاوز خارجی صحبت در میان است. البته او ترجیح میدهد که وقتی تجاوز به دست مزدوران و عوامل خارجی انجام میگردد، نام دیگری روی آن بگذارد. ولی ملتها فراموش نکرده اند و فراموش نخواهند کرد که محافل امپریالیستی آمریکا بویژه بدست

مزدوران آزادی را در کوتاهلا خفه کردند. ملتها فراموش نخواهند کرد که واشنگتن برای سرکوب گویای آزادی دوست مزدورانش را به کوبا میفرستاد. ملتها فراموش نخواهند کرد که مزدوران امپریالیسم آمریکا دموکراسی را در شیلی در خون خفه کردند و بریزیدت آئنده را به قتل رساندند.

دولت ایالات متحده آمریکا، پیش از آنکه علنا و صریحاً به ویتنام تجاوز کند، میخواست جنبش انقلابی ملی رهایی بخش را در آن کشور با کمک مزدورانش سرکوب کند. آمریکا دستجات مزدور را بر ضد ملل کشورهای افریقائیز میفرستاد. دولت ایالات متحده عین تا گویا رئیس جمهور کره جنوبی را، که دیگر نقش خود را بازی کرده بود، نابود کرد.

دها هزار مزدوری که خارجیان مسلحان کرده اند و مستشاران خارجی به آنها آموزش داده اند، به افغانستان اعزام میشوند. این تسلیحات در درجه اول ساخت آمریکا و چین است که مستشاران آمریکایی و چینی بدست خرابکاران میدهند. فقط چند واقیبت را ذکر میکنیم: روز بیستم و بیست و یکم ماه ژوئن سال ۱۹۷۹، دو کشتی پاکستانی بنامهای آلفونوم و رستم وارد بندر کراچی شدند. کشتی اولی از انگلستان آمده بود و در حدود دو هزار تن تسلیحات و جنگ افزار ویژه پیاده نظام ساخت

بقیه در صفحه ۲

در روزنامه پراودا تفسیری پیرامون سیاست امریکا زیر عنوان «در اسارت جنگ سر نه انتشار یافته است» در این مقاله گفته میشود:

کارتز، رئیس جمهور آمریکا، گسترش بیسابقه قدرت نظامی را شالوده و اساس سیاست خارجی خود قرار داده است. وی در حل و فصل مسائل جهانی بقدرت نظامی و به سیاست جبهه گیری و قدرت نمایی بعنوان وسیله قطعی نه به سیاست مذاکرات تشنج زدانی، به تحصیل رویارویی و قرار دادن منافع آمریکا در برابر منافع بقیه ممالک جهان و کوشش برای بدست آوردن سود برای خود بزبان دیگران و نه به سیاست همکاری تکیه اساسی میکند. آری، این سیاست ضمون اساسی نطقهای بریزیدت کارتز و دولت ایالات متحده آمریکا.

آمریکا میکوشد این منس را به اعضای بلوک ناتو و یکمده کشورهای دیگر تحمیل کند. تصادفی نیست که مطبوعات جهان، از جمله مطبوعات آمریکا، در تفسیرهای خود حداکثر توجه را به توصیف لژوئید برژنف در پاسخ خود به پرسشهای خبرنگار پراودا از سیاست ضد شوروی، که گویا دولت آمریکا در پیش گرفته، و درباره مسئولیتی که دولت آمریکا در دامن زدن به وخامت تشنجات بین المللی به عهده دارد، معطوف میدارند. در این باره باید در توضیح اظهارات کارتز پیرامون رویدادهای ایران و افغانستان صحبت کرد.

لژوئید برژنف خاطرنشان ساخت که اگر افغانستان وجود نمیداشت، آنگاه محافل معینی در ایالات متحده و بیمان ناتو بهانه دیگری می یافتند تا اوضاع جهانی را به وخامت بکشاند. آنها به این کار نیاز مندند، برای آنکه بتوانند دعوی خود را برای شروع مرحله جدید سابقات تسلیحات موشکی و هسته ای و استقرار این تسلیحات در

خط امام، خط ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب بزرگ مردم ایران است

مردم ایران برای ریاست جمهوری به فردی رأی میدهند که عمیقاً وفادار به خط امام باشد

«راديو تلویزیون ابراری برای تبلیغات جهانخواران شده بود» راديو تلویزیون ابراری برای چه تبلیغات و چه سیاستی باید باشد؟

تفتیش عقاید در فریدن اصفهان

دیده شده است که در بخش استفاده آموزشی و پرورش فریدن اصفهان بر خورد مصاحبه کنندگان و نحوه پرسش آنها برای استخدام کاملاً غیر منطقی است.

مصاحبه کنندگان که متشکل از مسئولان دوائر مختلف آموزش و پرورش این اداره هستند، در مصاحبه سئوالاتی را مطرح می کنند که بیشتر به تفتیش عقاید شباهت دارد. اگر در حین مصاحبه مسئولین بی برنگه که داوطلب از لحاظ پیش منتهی ضعیف است و یاد داری اید تلویزیون دیگری است، با دلایل مختلف، از قبیل ناخوب بودن وضع سرولباس و غیره، عذروری رامی خواهند. با توجه به اینکه این ناحیه از لحاظ کادری بسیار احتیاج مبرمی به استخدام دبیر دارد، این برخوردها جز ترسان، حاصل دیگری نخواهد داشت.

تفتیش عقاید طبق نص صریح قانون اساسی، مردود و محکوم است و مرتکبین آن طبق قانون قابل تعقیب و مجازات هستند. این عمل، ویژه اگر در آموزش و پرورش، یعنی عرصه علم و پرورش آزاد اندیشه ها و عقاید صورت پذیرد، زشت است.

ما از مسئولین خواستار ممانعت از اینگونه اعمال غیر قانونی، ضد آزادی و ضد مردمی هستیم.

پاکسازی در ...

می تواند خاطر جمع باشد که این نیروهای مسلح از کلیه عناصر نه فقط آشکارا «مطافونی»، بلکه از عناصر پناهنده، متزلزل، مشکوک، ناپاوار و انقلاب، بکلی و تماماً پاک شود.

جالب اینجاست که حتی در لحظه کنونی، که ضرورت حیاتی پاکسازی نیروهای مسلح آشکارتر از هر وقت دیگر محسوس است، بازم نه فقط پاکسازی با قاطعیت و موافقتی انجام می شود، بلکه حتی ششده می شود که می خواهند سازمانی نظیر سازمان دفاع غیر نظامی، و نیروهای پایداری، را که استخوان بندی آنها «مطافونی» است در تشکیلات بسیج نظامی همگانی ادغام کنند. چه کسی نمیداند که افسران سازمان دفاع غیر نظامی، و نیروهای پایداری، افسران پانزده ساله بوده اند که در دوران شاه مخلوع در این سازمانها، با حقوقی اضافه بر حقوق پانزده سالگی، گمارده میشدند و وزیر نظر مستقیم و ساواک کار می کردند و چه کسی نمیداند که این سازمانها سازمانی بوده اند ضد خلقی، برای حفظ و تحکیم رژیم «شاهنشاهی» مکر تردیدی هست که این سازمانها را باید از بنیاد منحل کرد، نه اینکه آنها را باقی گذارد و نه اینکه آنها را در تشکیلات بسیج نظامی همگانی ادغام کرد. زیر آشکار است که این ادغام رخنه دادن نیروی بالقوه ضد انقلابی در صفوف انقلاب است.

در حال، بکرات هشدار داده ایم و اینک در شرایط بسیار حساس کنونی، باز دیگر با صدای رسا هشدار میدهم و میطلبم که ارتش و دیگر نیروهای مسلح (ژاندارمری و شهربانی و نیز پاسداران) باید بدون لحظه ای درنگ، با قاطعیت و موافقتی تمام پاکسازی شوند. باید سرانجام باین واقعت انگار ناپذیر توجه لازم نمود که از دو حال خارج نیست، یا مقامات مسئول با احساس کامل به مسئولیت خویش ارتش را پاکسازی خواهند کرد و یا در وجود ارتش که از عناصر ضد انقلابی پاک نشده، خطر بالقوه ای را برای انقلاب حفظ خواهند کرد، خطری که نمیتواند به خطر با اقل بدل گردد.

عنوان اول را روزنامه اطلاعات برای خبر مربوط به اطلاعیه کارکنان فنی بخش تلویزیون انتخاب کرده است. عنوان دوم سئوالی است که در رابطه با وضع کنونی برخی از اخبار و تفسیرهای راديو تلویزیون خواه ناخواه مطرح میشود.

مقصود کارکنان فنی بخش تلویزیون آنست که دستگاههای کنونی و امکانات این سازمان در اختیار خبرگزاریهای امپریالیستی، قسراً داشته و آنها را حرکتها و توطئه های ضد انقلاب را از داخل ایران بخارج اطلاع میدادند، تا اینگونه حرکتها را در بری کنند. آنها میگویند:

«یکی از دستهای توطئه گر امپریالیسم، خبرگزاریهای آن میباشد که در بهم ریختن اوضاع داخلی کشورهای در حال انقلاب فعالیت های خرابکارانه دارند.» روشن است که کارکنان فنی کاملاً حق دارند.

اما در این حال طرح این سئوال نیز که راديو تلویزیون باید چگونه ابراری باشد، کاملاً سئوال بجائی است. کافی است کسی در داخل ایران به اخبار و تفسیرهای راديو تلویزیون گوش دهد و برخی از برنامه های آنرا دنبال کند تا کمترین تردیدی در این واقعت نکند که این دورویله هم ارتباط همگانی چه ابراری مهم برای سیاست و تبلیغات خلقی یا ضد خلقی میتواند باشد. اهمیت

مسئول و خامت اوضاع بین المللی امپریالیسم امریکاست

بقیه از صفحه ۱

امریکا را خالی کرد. با کشتی رستم تقریباً ۸ هزار تن تسلیحات و جنگ افزار از چین حمل شده بود. این تسلیحات جنگ افزار را پیدرنگ به ناحیه پیشاور حمل کردند و در اختیار دستجات مزدور، که به افغانستان اعزام میشوند، گذاشتند. در سال ۱۹۷۹، لویی دوری، نماینده سازمان سیا، یعنی اداره مرکزی اطلاعات جاسوسی امریکا، مستقیماً رهبری و تنظیم و برنامه ریزی و اجرای عملیات بر ضد جمهوری دموکراتیک افغانستان را از داخل پاکستان در دست خود داشت. او در پاکستان در راس گروه کارشناسان اداره مرکزی جاسوسی امریکا در امور خرابکاری ضد انقلاب قرار داشت. در فعالیت های این گروه و سایر نمایندگان امریکا سرهم بندی کردن اتحاد نظامی از نیروهای ضد افغانی مقام سببی داشت. در صورت ایجاد فرماندهی یگانهای که کلیه دستجات مزدور از آن تبعیت کنند، نمایندگان امریکا کسکهای بی حد و حصر تسلیحاتی و پولی را و وعده میدادند. نمایندگان امریکا امکان ایجاد به اصطلاح دولت مهاجر افغانستان در خاک پاکستان را مورد مطالعه قرار داده بودند. این به اصطلاح دولت مهاجر میبایستی پرده استتار مناسبی برای خودسرایی امپریالیستی بر ضد جمهوری دموکراتیک افغانستان بشود.

در بهار سال ۱۹۷۹ در پاکستان برای اجرای این نقشه، کریستوفر معاون وزارت امور خارجه امریکا و هم چنین اعضای هیئت پارلمانی امریکا مذاکراتی انجام دادند. نمایندگان ایالات متحده با تمام وسائل و اشکال رهبری پاکستان را به تشدید فعالیتها و اقدامهای خصمانه بر ضد جمهوری دموکراتیک افغانستان تشویق و ترغیب میکردند. با کمک امریکا در خاک پاکستان شبکه وسیعی از نقاط اتکاء و پایگاهها برای مزدوران و همچنین مراکز برای تسلیم و پرورش دستجات راهزنان و گروههای خرابکار و تروریست گسترده شد. مثلاً چین مراکز در جیرال، شورات، کوها، پیشاور - کلتدا و نوشرا دایر است. برخی دستجات مداخله گر در محوطه پادگانی ارتش پاکستان دوران آموزش را گذرانده اند. هنگام قلعه قبیع دستجاتی که از خارج به خاک افغانستان هجوم آورده بودند، مدارکی بدست آمده است که واقعت تجاوز خارجی را ثابت میکند.

مگر آقای کارتر از تمام اینها، این چیزهای بسیار گویا خیر نداشته است؟ شاید از ملاقات های محرمانه امین با جاسوسان آمریکایی به پرزیدنت گزارش نداده اند. شاید آقای پرزیدنت اطلاع ندارد که هرگاه در نتیجه اقدامهای قاطعانه خود افغانها، امین غاصب، که نورمحمد ترک رئیس جمهور قانونی افغانستان را کشت، از میان برده نشده بود، شماره قربانیان استبداد امین در روز ۲۹م سپتامبر، که قتل عام مخالفان امین برنامه ریزی شده بود، چندین هزار نفر بیشتر میشد.

بعید بنظر می آید که واشنگتن پاسخی به این پرسشهای ما بدهد. ولی استاد و مدارکی که بدست آمده و گواهی نسود، پاسخ تمام این پرسشها را میدهد.

علت برآشفتنی دولت امریکا این است که رویدادهای جمهوری دموکراتیک افغانستان اساساً در مجرای بکلی دیگری جز آنچه که امریکا میخواهد، جریان مییابد. به نظر می آید که افغانستان پدما امپریالیستی می افتد. در وزارت جنگ امریکا در پنتاگون مشغول محاسبه و تخمین بودند که بجای تأسیسات نظامی جاسوسی ضد شوروی، که در ایران از دست دادند، تأسیسات جاسوسی نظامی خود را روی کدام قله از قله افغانستان سوار کنند. حالا از واشنگتن به پاکستان فشار می آورند و میخواهند این کشور را مجبور به اذعان کنند که گویا از شمال خطری این کشور را تهدید میکند. کارتری اظهار میکند کسی که اتحاد شوروی به افغانستان میدهد گویا برای پاکستان خطرناک است و به این بهانه اعلام کرد که صدور تسلیحات به پاکستان از سر گرفته میشود، هر چند تا آنجا که معلوم است، دولت اسلام آباد چنین تقاضایی را نکرده بود ولی وقتی صحبت از صدور تسلیحات باشد سخاوتمندی های امریکا حد و

راديو تلویزیون در ساختن و شکل دادن به افکار عمومی و ایجاد جو سیاسی و شرکت در زندگی اجتماع به چه وجه با چراغ قابل مقایسه نیست. همه میدانیم که فعالیت های خرابکارانه خبرگزاریهای امپریالیستی تنها رساندن خبر حرکت های ضد انقلابی بخارج و رهبری آن نیست، بلکه علاوه بر آن، رساندن اخبار و گزارشهای خارجی مطابق میل امپریالیسم و طبق خواست ضد انقلاب است به داخل و خرابکاری در اذهان و افکار مردم کشورها که در حال انقلاب هستند. روزنامه ها و سایر محدودی برای این انتقال هستند. راديو تلویزیون بطور غیر قابل مقایسه ای مؤثرتر، سریعتر و همه گیرتر عمل میکنند. اما در عمل چه رخ میدهد؟ شما اگر صدای گویندگان بسیاری از اخبار و تفسیرهای خارجی راديو تهران و اجرا کنندگان برخی از برنامه های آنرا از صدای گویند راديوهای صدای امریکا و بی بی سی صدای آلمان غربی و نظائر آنها تشخیص ندهید، برای شما بشمار دشوار خواهد بود از روی مضمون این گونه اخبار و تفسیرها تفاوتی بین صدای جمهوری اسلامی (و سبهای آن) یعنی صدای امپریالیسم انقلاب از یک سو و صدای امریکا، انگلستان و آلمان غربی، یعنی صدای ضد انقلاب از سوی دیگر، قائل شوید.

در این موارد شما با تمسب و تاسف، با حیرت و ناپاوری میشنوید که هر دو از یک منبع یک خبر را عین یکدیگر منتقل میکنند و در یک جهت و با یک مقصد عمل میکنند. خبرگزاریهای امپریالیستی که بحق کارکنان فنی راديو و تلویزیون آنها را همپون دستهای توطئه گر امپریالیسم افشا می کنند، خود را که دهنده اخبار جدید در امری و سوبالی و کنیا و عمان پیدازند، اسرائیل هم که جای خود دارد. دولت ایالات متحده امریکا میخواهد بکمک این پایگاهها تسلط و سیطره خود را بر منابع نفت و خطوط حمل و نقل آن تجدید کند. آنچه که سابقاً در ایران امریکا بصورت پنهانی و با تهدید اظهار میکردند که هرگاه لازم شود بکمک سلاح و هر وسیله دیگر بر منابع نفت اعراب و ایران دست خواهند یافت، حالا عملاً میشود. حالا سیاست امریکا به تب و تب و لرز دچار شده است.

اظهارات ریاکارانه کارتر بمناسبت رویدادهای افغانستان به احتمال قوی نمیتواند کسی را گمراه کند. ظاهراً به همین جهت است که نمایندگان امریکا بمنظور جلب موافقت و اذعان متحدان خود در سراسر جهان بحرکت افتاده اند، تا در ظاهر یکجبهه واحد ضد شوروی بوجود بیاورند.

ملتهای جهان در سالهای فضای جنگ سرد با تبلیغات دشمنانه و غرض آلود ضد شوروی آشنا شده اند. مثل اینست که در مرحله ناعینی در واشنگتن چشم و گوشها باز شد. در آنجا گویی بی برنده که جهان بر طبق قوانین خاص خود در پیشرفت و ترقی و تکامل است، ولی نه بر طبق دستورها و فرمانهای که در وزارتخانه های امریکا تنظیم میشود.

ضرورت همکاری با کشورهای سوسیالیستی و امکان همزیستی سالم آیز مورد اذعان همه قرار گرفت، ولی محافل حاکم امریکا به این واقعت بی برنده که نقش امریکا در جهان تنزل نسبی کرده است، زیرا ناگهان در کاخ سفید دوباره به این فکر افتادند که باید به بعضی امپریالیستی تکیه کرد.

ظواهر ملتهای جهان ناگزیرند به ملت مواضع و اقدامهای محافل معینی در امریکا و نیربها تکیه یا آنها متحد شده اند، مرحله بفرجهی را در روند تکامل رویدادهای بین المللی بگذرانند. لئونید برزف خاخر نشان ساخته است: ولی ما دلایل کافی داریم که نسبت به آینده خوشبین باشیم. اراده ملتها تمام مواضع را بر طرف خواهد کرد و راه پیشرفت و ترقی را خواهد گشود.

فوت يك كارگر و برخورد ضد كارگری كارفرما در شركت مقتول یزد

با کمال تأثر اطلاع یافتیم که رفیق عباس رهوار در ساعت ۲۱ روز دوشنبه دوازدهم آذرماه، هنگام کارشانه در شرکت مقتول یزد دچار يك سانحه فاشی از کارگرید و جان خود را از دست داد. این سانحه به علت عدم وجود وسائل ایمنی در کارخانه روی داده و منجر به مرگ يك کارگر زحمتکش گردیده است.

بعد از وقوع حادثه، حتی يك وسیله نقلیه برای انتقال مجروح در کارخانه وجود نداشت. بدن خرد شده این کارگر مبارز را بعد از مدتی طولانی توسط يك آمبولانس به بیمارستان رساندند، ولی متأسفانه در راه بود.

کارگران کارخانه، که بعد از وقوع این حادثه، شدیداً متأثر و خشمگین شده بودند، از کارفرما تقاضای يك روز تعطیلی می کنند، ولی کارفرما حتی پس از مرخصی بدون حقوق هم موافقت نمی کند. سرانجام پنج نفر از کارگران با وجود مخالفت شدید کارفرما یکروز دست از کار میکشند. روز بعد کارفرما آنها داسرفاً به چرمدادن گزارش مرگ همکار خود به اداره کار، از کارخانه اخراج می کند.

عدم وجود وسائل ایمنی در کارخانه، عکس العمل غیر انسانی کارفرما، اخراج پنج نفر کارگر پس از هیچ معیار انسانی قابل ستیج نیست و باید از طرف مقامات مسئول مورد رسیدگی قرار گیرد. فقدان رفیق عباس رهوار را به خانواده ایشان و دوستان او صمیمانه تسلیت میکنیم.

چندستی در کار است و کدام گروه و گروهی میکوشد سبهای انقلاب مارا کریه و صدای انقلاب مارا زشت جلوه گر سازد و بجای انقلابی فکر کردن و نوشتن و خیر دادن و تفسیر کردن، درست همان مزخرفات ساخته و پرداخته خبرگزاریهای امپریالیستی را تکرار و تفسیر میکند؛ همان جوی را در ایران ایجاد میکند که میل ف نظر امپریالیستها بدان است؛ آیا در کتب این حقیقت دشوار است که آن خبرگزاریهای شیطان مست و نمونه زدالت، که حرکت ضد انقلاب درون ایران را بخارج اطلاع میدهند، تا امپریالیستها توطئه کنند، به یکباره فرشته صداقت و بیباکی واقعت نمیشوند، وقتی اخبار و تفسیرهای آنرا بخارج اطلاع میدهند تا حرکت انقلابی درون ایران را منحرف سازند؛ اینها همان خبرگزاریها هستند، وظیفه آنها همان است، وسیله آنها همانان است. پول قلب آنها تا کجاان به سکه نقد بدل نمیشود.

باید دید که چرا و چگونه و بدست چه کسانی راديو تلویزیون، این مهمترین دستگاههای خبری و اطلاعاتی و تبلیغاتی در بخش اخبار و تفسیرها، بویژه مطالب خارجی و برخی مباحث سیاسی، به ابراری برای انتقال تبلیغات و نظریات امپریالیستها برای اجراء و پیاده کردن توطئه های امپریالیستی بدل میشود، بروی دستهای دشمن همیشه آشکار نوشته شده، ساخت امریکای برای ضرب زدن به انقلاب ایران، این خیلی بدیهی است.

چرا برخیها نمیخواهند این حقیقت را به بینندگان و نیکنان صدای و سبهای جمهوری اسلامی ایران ابراز تمام عیار انقلاب ما، بازتاب خواست مردم انقلابی مسا و کوبنده نظریات و تبلیغات خبرگزاریهای امپریالیستی باشد؟ تکرار میکنم برای پروزی انقلاب نه فقط شهامت و بی گبری انقلابی، بلکه هشیاری انقلابی نیز ضرور است.

تامین مسکن ...

بقیه از صفحه ۱

برای تأمین مسکن طبقات زحمت کش انتخاب گردد، و اگر ذری زمین به کارخانجات بمنظور ساختن مسکن برای کارگران است، این تصمیمی است درست، که اگر زیر نظارت دقیق دولت انجام شود، میتوان امیدوار بود شبکه خانه های سازمانی در کنار کارخانه ها گسترده شود و به حل مشکل مسکن کارگران کمک رساند.

به موازات این اقدام مفید، دولت خود باید به سرمایه گذاری وسیع دولتی برای ساختمان خانه های ارزان قیمت در شهر و روستا اقدام کند و این خانه ها را در قبال اجاره های مناسب به خانواده ها های زحمتکش و کم درآمد و اگر کار نماید، این کاری است که در مکی دو سال امکان پذیر نیست و هم به فرصت وهم به سرمایه متمرکز دولتی نیازمند است، ولی اگر امروز این امر مهم آغاز شود، بهتر از فرداست.

اما برای اجرای يك برنامه کوتاه مدت، دولت باید بیدرنگ به اتمام مجتمعها و شرکهای مسکنی نیمه تمام، که یکسال است بدون صاحب و بلااستفاده مانده اند، همت گمارد. فقط در شهر کابل ۱۷ هزار دستگاه آپارتمان نیمه کاره وجود دارد که دولت می تواند آنها را تکمیل کند و به خانواده های نیازمند واگذارد. باید ما از شورای انقلاب و دولت میخواهیم که در کنار تصمیماتی نظیر ساختمان پنج هزار واحد مسکنی ارزان قیمت و واگذاری زمین به کارخانه ها برای ساختن خانه های سازمانی، گامهای عملی دیگری در جهت تأمین مسکن برای محرومترین و زحمتکشترین مردم مین، یعنی طبقه کارگر و دهقانان بردارد و آرزوی دها سال زحمتکش را برای يك سر-پناه برانزده تحقق بخشد.

هم اکنون میلیونها خانواده کارگری در شهرهای بزرگ و کوچک در بیفولهائی بنام «خانه» پس میروند. این بیفوله ها یا اطاقی بنور و نور و قاذبه داشت در يك خانه ستارترین است و یا زافه ها و دخمه های گند آلود در دل تیره خاک و یا کبره های از گل و خشت و مقوا و حلبی در حاشیه شهرها.

چنینها خانواده دهکدهای در روستاها در خانه های پسر می-برند که نه در برابر سیل و زلزله ایمنی دارند و نه باد و توفان. خانه های که هم محل سکونت خانواده دهقان، هم لافه مرغ و خروس و سگ و گوسفند اوست، خانه های که از حداقل بهداشت هم در آن اثری نیست مرکز تشو و نمای هزاران بیماری است.

تنها زمانی میتوان این میلیونها انسان رنجبر محروم و محنت کشیده را از این لانه های میکرب و عفونت و بیماری بیرون کشید و در يك چار دیواری بهداشتی متناسب آشیانه داد که دولت جمهوری اسلامی طبق يك برنامه همه جانبه سراسری، منطبق با شرایط و نیازها، خانه سازی کند. تأمین مسکن برای خانواده های کارگری و دهقانی فقط از دروا میسر است:

- ۱- خانه سازی وسیع دولتی،
- ۲- تهیه خانه های سازمانی به وسیله بخش خصوصی برای کارگران.

رفقای حزبی! هواداران و دوستداران حزب! استاد حزبی (اعلامیه ها، بیانیه ها و...) منتشره در «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران را، با استفاده از تمام امکانات، وسیع ترین شکل تکریر کنید و به توده های مردم برسانید. در شرایط حساس کنونی این يك وظیفه مبرم انقلابی

سرمایه داران غارتگر به محاصره اقتصادی امپریالیسم آمریکایاری می کنند

تولیدی پرسی ساحت ایران شماره ثبت ایران ۳۲۵۳۱

حزب توده ایران از یک برنامه جامع بنیادی اصلاحات ارضی بسود دهقانان بی زمین و کم زمین مصممانه پشتیبانی میکند

کومه له

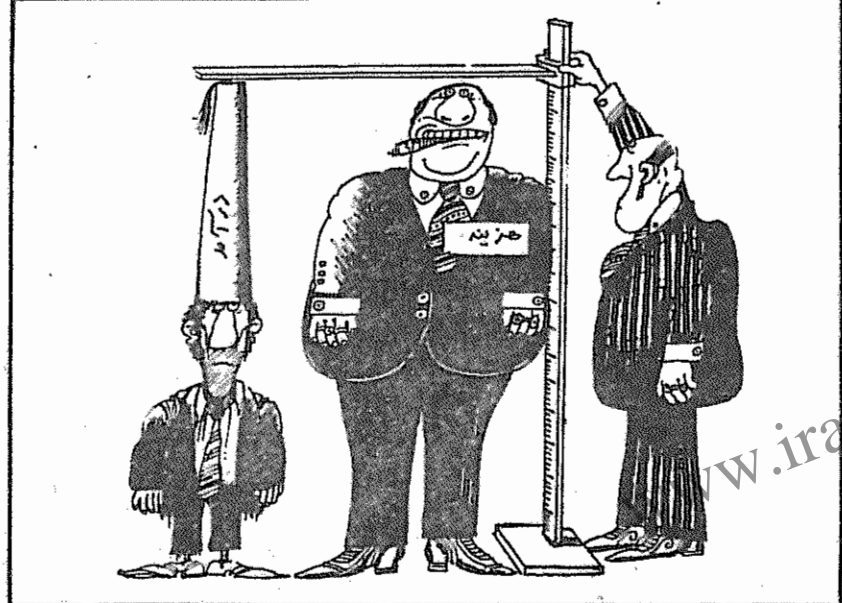
هدف اصلی خود را حمله به امام خمینی و حزب توده ایران می داند

چندی پیش مردم سندیج بمنظور اجتناب از آتش- افروزی افراطیون و ضد انقلابیون در مسجد جامع این شهر

در این میان عناصر معلول الحال کومه له و سوپای زرگاری، که مستقیماً از سوی دولت بعثی عراق علیه انقلاب ایران تجهیز شده اند، دست به فعالیت های تخریبی زدند.

توضیحی در مورد چاپ اسکناسهای ایران

در مردم، مورخه ۲۵ مهر ماه، مطلبی درج گردید مبنی بر اینکه دولت ایران چاپ اسکناس راه شرکت انگلیسی-نروژی را آغاز کرده است.



اطلاعات - ۳۰ دیماه ۱۳۵۸

کارکنان فنی پخش تلویزیون: رادیو و تلویزیون، ابزاری برای تبلیغات جهانخواران شده بود

در رابطه با اعلامیه شورای سرپرستی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران مبنی بر قطع مشروط برنامه های ارسالی خبرگزاری های خارجی، کمیته سرپرستی فنی پخش تلویزیون

دکتر سامی: سیستم ارتباطی بجای اینکه در خدمت خلق باشد در خدمت خودش و گروهها است و فرصت را برای میوه چینان انقلاب فراهم می کند

چنانچه انقلاب فراهم ساخت. نقش رسانه های گروهی بجای اینکه متوجه سربازان قدیمی انقلاب شود

بعد از انقلاب اولین وظیفه این است که با داشتن قدرت سازمان- دهی و جهت گیری فکری و منطقی یک سازمان تکنیکال را برای ارشاد و هدایت خلق به وجود آوریم.

از کمتهای رفقا و دوستان سپاسگزاریم سعید ۵۰۰۰ ریال فلور ۸۳۵۰۰ آقای حسن ۲۰۰۰ رفیق بیژن، کمک مالی شما رسید. متشکریم

پشتیبانی انجمن معلمین و دانش آموزان پیرو خط امام تریز از طرحهای اصفهانی پسره تعالی برادر رضا اصفهانی چهره راستین اسلام عزیز

جائزه دریا (Darya) advertisement with a large graphic of a bottle and a starburst.

کلیشه ای که مشاهده می کنید، جلد بود لباشوئی دریاست که توسط سرمایه داران غارتگر به کشورهای عربی خلیج فارس صادر

اخبار کارگری

مقاومه کاران مجری سیاست های ضد کارگری

امور ساختمانی و حمل و نقل شهرداری معمولاً به مقاومه کاران بزرگ و شرکت های معتبری از جمله شرکت ساختمانی اگساتان، پلدشت و پارس آیلند و... واگذار میشود.

لیست ساوا کی ها را منتشر کنید!



وزیر خارجه چین برای تقویت پاکستان علیه افغانستان، نقشه‌های توطئه‌گرانه خود را بارهبران پاکستان هماهنگ می‌کند

در حالیکه امپریالیسم آمریکا سیل سلاح را بسوی پاکستان سرازیر کرده و با همکاری رژیم دست‌نشانده ضیاءالحق این کشور را بسرعت به پایگاه جدیدی برای تجاوز و توطئه علیه کشورهای منطقه تبدیل می‌کند، هوانگ هوا، وزیر خارجه دارنده مائوئیست‌هاکم بر چین نیز برای اجرای هرچه سریعتر این طرحها در پاکستان با رهبران این کشور مذاکرات مفصلی انجام داده است.

به گزارش رسانه‌های خبری، هدف دیدار هوانگ هوا از پاکستان، مذاکره درباره با اصطلاح «مسئله افغانستان» است. نیازی به توضیح نیست که منظور اصلی مذاکره درباره هماهنگی کردن طرح‌های مشترک آمریکا، چین و پاکستان علیه افغانستان و ارسال سلاح‌های چین به پاکستان و تنظیم برنامه‌های وسیع برای آموزش و مسلح کردن پاندهای مسلح افغانی مستقر در پاکستان است. بنا به گزارش، هوانگ هوا از «دروگاه‌های» افغانی‌ها و با به عیادت دیگران آموزش پاندهای افغانی در پاکستان دیدن کرده است. در دهه‌های افغانی را آموزش می‌دهند. دیدار هوانگ هوا از پاکستان اندکی بعد از دیدار هارولد براون وزیر دفاع آمریکا از چین صورت می‌گیرد. براون در چین بارهبران این کشور مذاکراتی درباره هماهنگی سیاست‌های دو کشور در مناطق مختلف جهان از جمله در مورد افغانستان، خاورمیانه و ویتنام انجام داد. حسن مبارک معاون سادات نیز در چند جلسه مذاکرات براون بارهبران چین دیدن حضور داشت.

تحریکات نظامی آمریکا و انگلیس در دریای کارائیب

امپریالیسم آمریکا در پی گیری سیاست افزایش تشنج و تحریکات نظامی، نه تنها در خاورمیانه و اقیانوس هند، بلکه در دریای کارائیب نیز دست بهشتان زده است. در اجرای این سیاست، نیروی دریایی آمریکا یکی از بزرگترین مانورهای خود را در جنوب اقیانوس اطلس و دریای کارائیب آغاز کرد. در این مانورها بیست و هشت کشتی جنگی آمریکا شرکت دارند. البته امپریالیسم انگلیس در این منطقه نیز مانند منطقه خاورمیانه بی‌چون و چرا در پشت سر آمریکا حرکت میکند. در مانور دریایی کارائیب شش کشتی جنگی انگلیسی شرکت کرده‌اند.

امریکا طرف قابل اعتمادی برای مذاکره نیست

روزنامه پرآورد، ارگان مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، نوشت که این کشور هرگز سیاست‌های اصولی خود را تحت فشار، تهدید و باشتان زده تغییر نخواهد داد و هر کسی باید این مطلب را درک کند. پرآورد یاد آور شد که هنگامی که رهبری آمریکا در سیاست‌های خود از هووس و تخطیاتی پیرامونی می‌کند، آیا می‌تواند این کشور را، که تنها منافعی تنگ نظرانه لحظه‌ای را در نظر دارد، به تمام تعهدات بین‌المللی و قراردادها بی‌اعتنا می‌کند، یک طرف مذاکره قابل اعتماد دانست؟

سیاست ریاکارانه انگلستان در زیمبابوئه

رهبران جنبه میهن پرستان زیمبابوئه (رودزیا) سیاست ریاکارانه انگلیس را در مورد مشکل این سرزمین محکوم کرده‌اند. «جوشوا نکووه» و «رابرت موگابه»، رهبران جنبه میهن پرستان اعلام کردند که حضور نیروهای رژیم ژادپرست آفریقای جنوبی در زیمبابوئه منافی با مقررات آتش‌بس است. لردسوم فرماندار انگلیسی زیمبابوئه (رودزیا) تاکنون در برابر حضور فیرقانونی این نیروها در سرزمین زیمبابوئه اقدامی صورت ندهاده، بلکه در بسیاری موارد حضور این نیروها را مورد تأیید قرار داده است. لازم توضیح است که نیروهای رژیم ژادپرست آفریقای جنوبی در کنار نیروهای رودزیا با جنبه میهن پرستان پیگار می‌کنند. این اقدام با تأیید دولت انگلیس صورت گرفته است.

نرخ تورم در اسرائیل روبه افزایش است

بموجب آمار رسمی منتشر شده در تل آویو، نرخ تورم اسرائیل در سال گذشته حدوداً دوازده درصد بوده است. این رقم در تاریخ این کشور بیسابقه است. افزایش تورم تنها در ماه دسامبر گذشته از هشت درصد بیشتر بوده است. سیاست نظامی و تجاری که اسرائیل در ماه مهیونیست تل آویو از عوامل اصلی افزایش تورم در کشور است. زحمتکاران اسرائیل که زیر بار افزایش هزینه زندگی به جان آمده‌اند، در طول یکسال گذشته بارها به این سیاست اعتراض کرده‌اند.

کمیته همبستگی آفریقا - آسیا مبارزه امریکا علیه افغانستان را محکوم کرد

کمیته همبستگی آفریقا - آسیا مبارزه‌ای را که امپریالیسم جهانی، بر سرگردی امپریالیسم آمریکا، علیه افغانستان آغاز کرده است، محکوم کرد. این کمیته اعلام کرد که هدف از این مبارزه آن است که در درجه اول کانون‌های تشنج تازهای ایجاد گردد و افکار جهانیان از طرح‌های تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا در خاورمیانه و اقیانوس هند منحرف شود.

از سوی دیگر حزب ملی تریقخواه مصر که شدیداً با رژیم خائن سادات مبارزه می‌کند، اعلام کرد که کمک اتحاد شوروی به افغانستان برای نابودی توطئه ارتجاع و امپریالیسم صورت گرفته است. نشریه الحریث چاپ بیروت، نیز نوشت که آمریکا تلاش دارد با جادو و جادوگرانه دموکرات‌های افغانستان، رژیم سادات را از انزوا خارج کند.

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

تبلیغات آمریکا درباره رویدادهای افغانستان و واقعیت مداخله آمریکا در افغانستان

مقاله زیر، که دخالت‌های آمریکا در امور داخلی افغانستان را نشان می‌دهد، چند هفته قبل از کمک اتحاد شوروی به افغانستان، در روزنامه «کانتر اسپی» که از طرف مخالفان جنگ ویتنام و دیگر شخصیت‌های صلح‌خواه آمریکایی، در آمریکا چاپ میشود، منتشر شده است:

راستی در افغانستان چه میگذرد؟ آیا این کشور به پایگاه شوروی تبدیل شده است؟ آیا شوروی حزب و رژیم حاکم خلق در افغانستان را جزئی از حلقه محاصره ایران و مناطق نفت‌خیز در این منطقه بشمار می‌آورد؟ جمله آخر متعلق به روبرت نویمان، سفیر قبلی امریکادر افغانستان است که اکنون در اداره‌ای که مربوط به سازمان «سیا» است، مشغول «کار» است.

آیا مسئله «مبارزان مسلمان افغانی» یک مسئله داخلی مسلمانان راست‌گرای افغانستان است، که چهارعالیه «مارکسیست‌ها» در دولت دنبال میکنند؟ بنظر می‌رسد که به‌بخشی از دو سؤال اول جواب داده شد: شوروی با رویدادهای آوریل سال ۱۹۷۸، که منجر به سقوط داوود و تشکیل جبهه‌پوری دموکراتیک افغانستان شد، هیچگونه ارتباطی نداشت.

درست است که هزار کارشناس شوروی در افغانستان وجود دارد، ولی آنها کاری بمسائل داخلی ندارند. این موضوع موقیقه در اواسط سپتامبر ۱۹۷۸ (شهریور ۱۳۵۸) در اثر یک کودتا، دولت نورمحمد ترکی بدست خفیضاله امین برکنار شد، بوضوح دیده شد.

«جهاد»!

این ادعا، که جنگ فعلی جنگ مبارزان مسلمان افغانستان است که می‌توانند با آمدن دولت «مورد حمایت روسیه» آزادی مذهبی خود را از دست بدهند، تا حالا بوجوبی دلیل بوده است و کسانیکه چنین ادعائی میکنند هنوز حتی نتوانسته‌اند یک دلیل هم برای اثبات این ادعای خود ارائه دهند.

برعکس، حتی روزنامه طرفدار سرمایه‌داری غرب، یعنی «اکونومیست»، در شماره سپتامبر خود (شهریور ۱۳۵۸) می‌نویسد که در افغانستان برای اجرای مراسم مذهبی هیچگونه مانعی وجود ندارد. مثل اینکه علت مبارزه و ترور باید در جای دیگر باشد! در افغانستان بخشی از «اسلام» بمنافع اقتصادی و اجتماعی فتوایاها و زمین‌داران بزرگ رابطه نزدیک داشت. روی این اصل، خارج شدن زمینهای بزرگ از دست خوانین و مالکان، که پس از انقلاب افغانستان صورت گرفت، «تجاوز به اسلام» تعبیر شد. شافقیارینکه، اصلاً خود بعضی از پیشوایان اسلامی جزو زمینداران بزرگ بودند و بیشتر تبلیغات علیه «کمونیست‌ها» از اینجا آب میخورد.

خوب معلوم شد که برعکس آنچه غرب جبهال برآه انداخته، جنگ مذهبی در کار نیست. این یک مبارزه بین استثمارگران و استثمار شدگان است. در این حالت نیز مثل زمان فتوایلیسم اروپا، بنام مذهب از استثمارگران دفاع میشود. این واقعیت شناخت دروغها و اتهامات را آسانتر میکند.

البته دیده شده بود که برخی از دهقانان، که حتی در شرایط بدتر از برده‌ها بسر می‌بردند، از دریافت زمین و یا شرکت در سایر تحولات سرباز می‌زدند، ولی این بخاطر ترسی بود که آنها با صاحبان زمینها داشتند. پس از یک عمر وابستگی به کسانی که خود را رهبر مذهبی معرفی میکردند، بالاخره به دهقانان فقیر و آگاه لزوم جنگ مذهبی علیه انقلاب و کارکنان شوروی در افغانستان را دیکته میکردند.

یکی از راست‌گرایان افغانی به خبرنگار «کانتر اسپی» می‌گفت: «اگر حزب دموکرات خلق با احتیاط رفتار کند، به‌همچنین دست می‌یابد».

سؤال سوم چنین مطرح میشود: آیا مبارزه در افغانستان یک مسئله داخلی است؟

ظاهراً این سؤال، سؤال اصلی است. در ماه مارس ۱۹۷۸ هودین کارت، سخنگوی وزارت خارجه امریکا متذکر شد که: «دولت آمریکا دخالت خارجی در امور داخلی افغانستان را خیلی جدی تلقی خواهد کرد». این اظهار نظر، که (طبق ادعای واشنگتن پست)، «نشان دهنده توجه آمریکا به افزایش نفوذ شوروی در آفریقا و زمین جنوبی افغانستان بود»، در ضمن میخواست چنین وانمود کند که آمریکا در امور داخلی افغانستان هیچگونه مداخله‌ای نمی‌کند.

آمریکا قصد دارد با نشان دادن این مبارزات بتواند یک مسئله داخلی روی مداخله دوستان خود در افغانستان سربوش بگذارد. از آنجاییکه سالهای متمادی دولت آمریکا توسط شاه مخلوع در امور داخلی افغانستان دخالت میکرد، این ادعای آقوی کارت پیشتر از آنست که پس از آنکه آمریکا با برکناری شاه و از همپاشی سنت، از نظر سیاسی، اقتصادی و استراتژی در این منطقه شکست خورد، در مورد مسائل خاورمیانه و آسیای جنوبی حساس‌تر شد. معاون وزارت امور خارجه و این کریستوفر در سفر خود در اوایل سال برتیکه، جهت استقرار ایستگاه‌های رادار آمریکائی در خاک ترکیه و تشکیل یک پیمان نظیر ستو، باین موضوع اشاره کرد و گفت: «برای یک چنین پیمانی خوب بود که در افغانستان یک دولت طرفدار آمریکا روی کار بیاید، زیرا که موقعیت این کشور برای جاسوسی علیه شوروی بسیار مساعد است».

باید نظر گرفتن برنامه «درازدت» آمریکا در منطقه، باید خیلی خوش‌باور بود که قبول کرد، آمریکا در مسائل افغانستان دست

شماره ۴
دنیای
منتشر شد

در این شماره:

- انقلاب ایران به مرحله‌عالیتری گام نهاده است
- نظام اقتصادی مصوب قانون اساسی و پیشنی که حزب ما از این نظام داد
- مبارزه دهقانان اوچ میگیرد
- جان‌گرایانهایی که حسین در راه خلق بر کف نهاد
- ۲۱ آذر، اوچی چشمگیر از مبارزات مردم ایران
- ماورای کوه‌های نو در جنبش چپ ایران

مقاله‌ای درباره نقش ماسر ایران - ضرورت دگرگونی در نظام دولتی ایران - چین و بر کف ایستادن - بحران اعتماد در جهان امپریالیسم و بسیاری مطالب دیگر

نام نویسی در حزب توده ایران کارگران و زحمتکاران هوادار حزب توده ایران که مایلند در حزب ثبت نام کنند، ولی در ایام هفته فرصت ابتکار را ندارند، می‌توانند در روزهای جمعه از ساعت ۱۲ تا ۱۴ صبح و از ۱۴ تا بعد از ظهر به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران، واقع در خیابان ۱۶ آذر، ضلع غربی دانشگاه تهران، مراجعه کنند، در شهرستانها نیز دفاتر حزب توده ایران برای نام نویسی آماده است.

مقتضیان هنگام ثبت نام حتماً شناسنامه خود را همراه داشته باشند.

نمایشگاه پیاد دکتر تقی ارانی رهبر زحمتکاران ایران

۱۴ بهمن، سالگرد شهادت دکتر تقی ارانی، رهبر زحمتکاران ایران است. بدین مناسبت قرار است نمایشگاهی بپایان دانشمند انقلابی شهید ترتیب داده شود. از همه کسانی که عکس یا اطلاعاتی درباره زندگی خصوصی و اجتماعی، درباره مبارزه و دستگیری و زندان و شهادت ارانی دارند، خواهشمند است که عکسها و اطلاعات خود را در اختیار دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران قرار دهند. موجب سپاس فراوان خواهد بود.

ندارد. هنوز معلوم نیست که تا چه اندازه «سیا» باتوقی کشف افغانستان کرده است. البته علاوه بر نظارت بر خرابکارها و عملیات نظامی، علاوه بر «سیا»، آژانس جاسوسی DEA (که در ظاهر سازمان مبارزه با قاچاق است) نیز در زمین افغانستان و پاکستان، سخت مشغول فعالیت است. بخشی از این سازمان را جاسوسان سابق سیاستمدار می‌دهند، که بندرت در مبارزه با قاچاق فعالیت داشته‌اند.

دولت آمریکا مدارک مربوط به دخالت «سیا» و آموزش نظامی خرابکاران افغانی را توسط «سیا»، که در روزنامه‌های دنیا چاپ شده، بی‌اساس می‌خواند.

جالب است که دوفتر از این خرابکاران که «مبارزان افغانی» را رهبری میکنند، یعنی ضیاء نظری و ضیاء نظری، هر دو تبعه آمریکا و حتی یکی از آنها رابط وزارت امور خارجه آمریکا است! در یک مقاله که در «واشنگتن استار» منتشر شده، چارلز بارلت خاطر نشان میکند که «منابع مطلع خبر میدهند (کدام منبع؟) «واشنگتن استار» وزارت خارجه آمریکا (سیا) که دولت آمریکا به شورشیان افغانستان کمک چندانی نکرده «ولی» کمک منفی که در اینجا نمی‌شود از آنها نام برد، شده است».

بارلت ادعا دارد که «اگر آمریکا در امور افغانستان دخالت نکند، برای آمریکاگران تمام خواهد شد». ژنرال هایک مشاور قبلی نیکسون و فرمانده نیروهای ناتو، نیز همین نظر را ادامه میدهد و در گفتگویی که با روزنامه «لوس آرز» چاپ پلزنیک داشت، معتقد بود که: «با افزایش نفوذ شوروی در جبهه و بطن و افغانستان باید بکاری دست زد».

برعکس افغانستان، پاکستان بهشت جاسوسان خارجی شده که در امور افغانستان دخالت میکنند و دولت پاکستان بطور وسیع از آنان حمایت میکند.

روزنامه سوئیس «نویه تسوریشتر سائوتوک» در یک مقاله خود از تمامی اعمال خرابکارانه دولت و ارتش پاکستان و از کمکاری این کشور به توریستهای افغانستان، که حتی در پاکستان پایگاه دارند، بهره بر میدارد. پاکستان نیز در ظاهر ادعا دارد که مثل آمریکا در امور داخلی افغانستان دخالت نمیکند. روزنامه پاکستانی «نوی وقت» این ادعا را چاپ کرده و مینویسد: «اگر فراریان افغانی غذا و مسکن دریافت میکنند، صرفاً بخاطر مبادی انساندوستی است». ولی در مقاله روزنامه سوئیس نشان داده میشود که کمکاری پاکستان به «فراریان افغانی» سرحد مبادی انساندوستی را شکسته‌اند. دولت نظامی پاکستان ۲۰ میلیون روپیه در اختیار فراریان قرار داده، که باین موضوع در روزنامه‌های پاکستانی هیچ اشاره‌ای نشده است.

روزنامه فوق‌الذکر سوئیس از خرید اسلحه توسط تروریستها نیز بهره بر میدارد. روزنامه‌ها و سرریسهای خبری آمریکا نیز که از پایگاههای افغانی در پاکستان دیدن کرده‌اند، خبر میدهند که آنها می‌گویند: «ما محتاج نان نیستیم. برای ما اسلحه بفرستید». روزنامه سوئیس مینویسد که: «فصیح است که تمام فراریان را مردان قوی هیكل تشکیل میدهند».

بدون شك تمامی این پایگاهها در پاکستان مرکز تجمع ضدانقلابیون بوده، که به طرق مختلف از طرف دولت پاکستان حمایت میشوند. آنها از پاکستان پول دریافت میکنند، بطور آزاد اجازه دارند از مرز پاکستان عبور کنند، تعلیمات نظامی ببینند و از هر لحاظ مورد عیانت ضیاء الحق قرار میگیرند.

نقش چین

درباره دخالت‌های خارجی در امور داخلی افغانستان مقاله‌ای در مجله «کانادا» «مالک‌النس» چاپ رسیده، که حاکیست: «هنگامی که جاسوسان آمریکائی در مرز افغانستان به اسم مبارزه با مواد مخدر درگشت بودند، به یک عده چینی برمیخوردند که اول فکر می‌کنند که آنها قاچاقچی جنگ‌کنی هستند. ولی بعد با آنها فیمیند که یکی از اسرار خطرناک پاکستان پی‌برده‌اند، و آن اینکه پایگاههای در مرز افغانستان به افسران و کارشناسان چینی محول شده. وجود آنها در آنجا جهت آموزش به مبارزان مسلمان بود تا آنها بتوانند در جبهه خود با دولت «تحت‌الحایبه سکوه» موفق شوند».

سؤال دیگری مطرح میشود اینست که: چرا ژنرال ضیاء الحق که نمیتواند جایگویی ناراضی‌های ملت خود باشد، به جنگ افغانستان می‌رود؟ منابع هندی معتقدند که ضیاء الحق در پشت این فعالیت‌ها قصد ساختن پمپ اتمی را دارد.

مجله «مالک‌النس» مینویسد که هزینه جنگ در افغانستان از طریق مواد مخدره قاچاق که زمینداران بزرگ افغانی آنرا به پاکستان می‌آورند، تامین میشود. پول حاصل از فروش این مواد برای خرید اسلحه و مهمات مصرف میشود. تپاراسلحه در پاکستان می‌گویند که مشتری‌های آنها هر روز به آنها مراجعه میکنند و بازارشان رونق دارد.

خبرگزاری ژاپنی «کیودو» خبر میدهد که: «هزار نفر پاکستانی برای خرابکاری و هجوم به ارتشیان افغانی در مرزها توسط کارشناسان چینی تربیت شده‌اند».

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

میهن پرستی یعنی چه؟

عشق به سعادت واقعی اکثریت مطلق مردم و عمل و ایثار در راه آن

هیچ ایرانی نیست که حاضر باشد خود را «میهن پرست» نداند. ولی البته هموطنانی که نه فقط درباره میهن پرستی خود، بلکه درباره بی وطنی و دنباله روی دیگران از «دیگانگان» داد سخن میدهند، نیز وجود دارند و کم هم نیستند.

بنظر میرسد هیچ واژه ای مانند «میهن پرستی» ساده نیست. واقعا میهن پرستی یعنی چه؟ خوب اینکه ساده دروغ است، یعنی دوست داشتن میهن خود، دوست داشتن ایران. ایران عبارتست از طبیعت و مردم، و باید دید بین این دو، ما در درجه اول و بطور عمدت و اساسی طبیعت ایران را دوست داریم یا مردم آنرا؟ هر فرد عاقلی میگوید، البته من طبیعت و آب و هوا و مناظر و محصولات و شهرها و آبادیهای کشور خود را دوست دارم، ولی در درجه اول علاقه ام به مردم است.

علاقه مردم یعنی چه؟ بدون آنکه وارد بحثهای پیرامون شویم، فوراً پاسخ گوئیم، یعنی علاقه به سعادت مردم. سعادت مردم چیست و تازه اگر سعادت مردم را درست تشخیص دادیم، علاقه به این سعادت باید چگونه بروز کند؟ سعادت مردم، یعنی مبارزه با مخالفان این سعادت و قبول هرگونه فداکاری در این راه.

پس میهن پرستی، یعنی علاقه به بهره مندی اکثریت مطلق مردم شهروند ایران از مواهب مادی و معنوی تمدن امروزی و مبارزه در راه تامین این سعادت با قبول هرگونه فداکاری در این راه.

مطلب دارم که روشنتر و مشخصتر میشود. پس معلوم است که میهن پرستی تنها آن نیست که شما از کوه دماوند یا آذرشهر یا قلمکار و قلی ایرانی خوشتان بیاید و به زیر پایهای شهر اسفهان بنشیند. حتی تنها به این معنی هم نیست که شما از ادبیات و فلسفه این کشور با اطلاع باشید و با آن جلوه گری کنید و به حافظ عشق و به سعدی ارادت بورزید، همه اینها بسیار خوب است و حتی جزء میهن پرستی است، ولی عمده نیست. عمده علاقه به سعادت واقعی اجتماعی مردم و نبرد در راه این سعادت است.

حال این سؤال مطرح میشود: برای تامین سعادت اکثریت مطلق مردم شهرها و روستاهای ایران و بهره مندیشان از مواهب مادی و معنوی تمدن امروزی چه باید کرد؟ آیا میتوان با تسلط نواستعماری امپریالیسم بر ایران موافق بود؟ آیا میتوان با بهره کشی انسان از انسان، با بزرگ مالکی و سرمایه داری وابسته موافق بود؟ آیا میتوان با نابرابری زن و مرد، با نابرابری حقوق خلقها، با شیوه های استبداد اقلیت بر اکثریت

موافق بود؟ آیا میتوان با یسواد و بیسوادی عمومی موافق بود؟ روشن است که پاسخ این سئوالها نمیتواند مثبت باشد. لذا چاکران امپریالیسم، از نوع محمدشاهی، حق ندارند از میهن پرستی دم بزنند. لذا طرفداران سیستم ارباب پرستی یا خواستاران بقاء نظام استعمار سرمایه داری حق ندارند از میهن پرستی دم بزنند. لذا طرفداران ستم ملی و بی حقی زن ایرانی حق ندارند از میهن پرستی حرف بزنند.

چشمه میهن پرستی، آفتابان؛ شما که میخواهید اکثریت مردم برده و جیره خوار و فرمانبر و محکوم رای یک اقلیت باشید، کجا تامین کننده سعادت و بهره مندی آن اکثریت از مواهب مادی و معنوی هستید؟ چه فرمایشی است؟ بی لطفی میفرمائید!

پس معنای میهن پرستی باز هم مشخص تر میشود، میهن پرستی، یعنی دفاع از استقلال سیاسی و اقتصادی ایران و مبارزه علیه امپریالیسم، مبارزه با بهره کشی انسان از انسان و تامین حقوق حقه کارگران، دهقانان، پیشه وران، کارمندان و روشنفکران زحمتکش و خلقهای ایران و زنان ایران و بیست و نوزدهم فرهنگ و علم و هنر و بهداشت همگانی و مبارزه بی امان با اقلیت سراسر برده یا غارتگری که این مواهب مادی و معنوی را از اکثریت مطلق مردم می ستاند، تا خود را به امتیازات ناز و ابرساند و قبول هرگونه محرومیت در این راه مقدس.

ملاحظه میکنید که معنای میهن پرستی خیلی بسنج شد. میهن پرستی بخشی است از انسان دوستی بنیادین و بیکیفر کلمه. میهن پرست بودن کادشوار است. ولی اتفاقاً اقلیت بهره کش و طرفدار تبه کش و تباغی و ستمی و ملی و درست طرفداران تفریق طلبی فوق را «میهن پرست» و دیگران «پرست» میخوانند، برای آنکه آنها را در جامعه منفرد کند. برای آنکه آنها احساس ما، «میهن پرستی» بسود جیب خود و علیه کلام حق آنان سوء استفاده کند، برای آنکه ملاحظه کند، برای آنکه میدان را برای غارت و فرمانروایی خود و هندستان جهانیش باز نگاه دارد. و افسوس که گاه در تاز خود موفق هم میشود و جهالت و عقب ماندگی به یاریش میشناسد.

دشوار است سر نوشت میهن پرستان واقعی در محیطهای عقب مانده. اعضاء حزب ما زیاد در معرض این نوع حملات قرار داشته اند و گمان کن قرار دارند. زمانی ما این سؤال را مطرح کرده ایم، چگونه شما به کسانی که دارای پیشروی ثروت و ذره ای قدرت نیستند و با حفظ صداقت و تقوای اجتماعی، بخاطر آرمان بشر دوستانه خود، انواع زنجیرهای گفتمانی و فکری و فکری و فکری و فکری تحمل کرده اند، جرات میکنید و بیگانه پرست، میگوئید؟ بیگانه پرستی، به آرائی و زور و سیاه و تیزی و حکمت جو چه داد؟ جز گلوله سرین؛ به آتاهای که زندان و مبارزه می کنند، چه داد؟ جز یک زندگی از جهت مادی و معنوی سرشار از مشقت و دغدغه؛ و کسانی که برای یک قدرت تکبیه میزنند و از نعمات این جهانی نمی گذرند، آیا نباید هفت بار کرامت خورده اند که بدین معنی که به چنین کسانی چنین انتساباتی را روا داشته اند؟ از مظاهر میهن پرستی اصل در تاریخ معاصر ایران توده ایها بوده اند و هستند. ما نام توده ای را در خورد کسی میدادیم که پول، مقام، عیش و نوش، تحمیل مردم، زورگویی و دروغ گویی در پیشگاه خلق را هرگز روا نداشته و با فروتنی و بی نظاری و بی برابری اصول دوستی و ملی، زندگی خود را وقف خدمت به توده های وسیع مردم کرده و در این راه از هیچ ایثاری دریغ نکرده است. در صفوف حزب ما از این زمره هزارها و هزارها بوده اند و هستند.

ما میهن پرستی را انصاف خرد نمیکنیم و به میهن پرستی بسیاری از غیر توده ایها، که خدمت گذاران صدیق خلقند، معتقدیم. این ما نیستیم که بهتان میزنیم، ولی این ما هستیم که بهتان بر خویش را هرگز تحمل نخواهیم کرد و اجاره نمیدیم شاخص ترین صفت توده ای را از او باسفته و هو و دشنام و افترا سلب کنند.

توجه!

نخستین سالگرد انقلاب بزرگ و تاریخی مردم ایران نزدیک است. از تمامی دوستان، هواداران و اعضاء حزب خواهش میکنیم که هرگونه اطلاع و خاطر مطالب و زیبایی از دوران یکساله انقلاب دارند، هرگونه عکس از رویداد های ماههای انقلاب و همچنین کلیه اسناد و اعلامیه های احزاب، سازمانها و گروههای مختلف، که در یکسال قبل از پیروزی انقلاب منتشر شده - در دسترس دارند - اصل یا فتوحی آنها را برای «مردم» بفرستند و بپوشانند. صفحات «مردم» را در برگزاری شایسته جشن سالگرد این انقلاب تاریخ ساز، غنی کنند. در روی پاکت بنویسید: «مربوط به انقلاب ایران».

«مردم»

برای شهیدان حزب و جنبش

«مردم» در نظر دارد عکسهای تمام مبارزانی را که در دوران سلطنت شکن و متفرد خاندان پهلوی در راه آرمانهای ملی و میهنی و انسانی خود به شهادت رسیده اند، جمع آوری کند. از همه میهن دوستان و آزادی خواهان تقاضا میشود که هر عکسی از این مبارزان شهید دارند، به دفتر «مردم» مراجعه کنند. با سپاس - «مردم»

حزب توده ایران به آقای مدنی رای نمیدهد!

اخیراً مشاهده شده است که عناصر نامطلوبی در تقاطع مختلف شهر، شمارهایی مبنی بر ادای دادن حزب توده ایران به آقای دکتر احمد مدنی، نوشته اند. همچنین خبری به ما رسیده است که در برخی نقاط (از جمله روزنامه فروشی خیابان بهار)، پوسته انتخابی آقای مدنی را لای روزنامه «مردم» گذاشته و می فروشد.

نخست وزیر اسرائیل انقلاب ایران، انقلاب افغانستان و سازمان آزادیبخش فلسطین را مورد حمله قرار داد

منابع یمن نخست وزیر صهیونیست اسرائیل یکبار دیگر در نطقی در پارلمان اسرائیل شدیداً انقلاب ایران و افغانستان را بابت حمله گرفت. سر صهیونیست های تل آویو، که گزارش مذاکرات خود را با سادات سرسپرده به پارلمان تقدیم میکرد، سازمان آزادیبخش فلسطین را نیز بخاطر حمایت از انقلاب ایران مورد حمله قرار داد. بکین گفت: حمایت سازمان آزادیبخش فلسطین از اینجا روشن میشود که این سازمان قویاً از آیت الله خمینی حمایت و از کمکهای اتحاد شوروی به اعراب ستایش می کند.

سخنان بکین نیازی به توضیح ندارد. این عامل امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم بین المللی متوجه بیداری خلق منطقه شده است و میدانند که ادامه غارتگری امپریالیستها و بویژه امپریالیست آمریکایی روز بروز دشوارتر میشود. بنابراین هر روز با حمله به نهضت های رفاهتی بخش منطقه خوش خدمتی خود را به ارباب نشان میدهد.



امپریالیسم امریکا - خدای جنگ

این دستور العمل به نفع کیست؟

به بزرگ مالکان حق افزایش اجاره بها به نرخ عادلانه روزه داده شده، در حالیکه حقوق ماهانه و دستمزد مستأجرین، با وجود سیر صعودی هزینه زندگی ثابت است.

در آرزوی دستیابی به مسکن بودند با مالکان بزرگ کتشی یافت و مقامهای رسمی بنیاد مسکن چه در دهها که به توده های محروم ندادند. ولی اینک پس از گذشت چندین ماه، کوه زاید اموش. مالکان مسکن سر به فلک کشیده در این نبرد با بر پیروز شده اند!

دستور العمل جدید با دستور آذرماه شورای انقلاب در تضاد آشکار است. اگر اجاره بهاگران نبود، به جهت شورای انقلاب آنرا کاهش داد؛ از آذرماه تادیمه جهت تعیین بنیاد در زمینه مسکن بوجود آمده که موجبین حق دارند برای افزایش اجاره بها به دادگاهها مراجعه کنند و انتکهی آن کارشناسی که باید بر اساس «نرخ عادلانه روزه» در اجاره بهارای دهند، ملاک عملشان چه خواهد بود؟ آیا برای تعیین «نرخ عادلانه روزه» معیاری جز سطح هزینه زندگی وجود دارد؟ هم اکنون آنتیک تورم پدید می کند. سیر صعودی هزینه زندگی میلیونها انسان را دچار چنان مشکلاتی ساخته، که راه برون رفت از آن به این زودیها بنظر نمی رسد. در چنین شرایطی، چگونه میتوان بهشتی بزرگ مالک حق را داد که آن حق از میلیونها تسوده زحمتکش سلب میگردد؟ منظور ما اعطای حق افزایش اجاره بها به نرخ عادلانه روزه، به بزرگ مالکان است، در حالیکه سطح حقوق ماهانه و دستمزد مستأجرین تابع آن نیست و با وجود سیر صعودی هزینه زندگی همچنان ثابت میماند.

بجاست که دست اندکاران امور دولتی هر چه زودتر در این دستور العمل تجدید نظر کنند تا منافع اتیوه زحمتکشان قربانی امیال آزمندانه مشتی بزرگ مالک نشود.

اخیراً دستور العملی بوزارت دادگستری ابلاغ شده، که از دوشنبه ۲۹ دیماه دد دادگاههای کشور قابل اجراء خواهد بود. بموجب این دستور العمل، از این پس موجبین حق دارند برای افزایش اجاره بها به دادگاهها مراجعه کنند. در دستور العمل گفته میشود: «... دادگاهها با جلب نظر کارشناسان میزان اجاره بها را به نرخ عادلانه روز تبدیل خواهند کرد و حکم به افزایش اجاره بها خواهند داد».

جای شکستی است که در شرایطی که در نتیجه خیانت رژیم شاه مخلوع، مسکن و گرانترین سرمایه آور اجاره بها آن به یکسای از مشکلات حاد جامعه ما تبدیل شده و آن باس نوشت میلیونها ایرانی بستگی دارد، این چنین دستور العملی تصویب و مورد اجراء گداده میشود. نیازی به توضیح نیست که این دستور العمل، در درجه اول به نفع مالکان بزرگ خانه های مسکونی است که سالها است مانند زالو خون میلیونها مستأجر را می مکند.

تأصیب این دستور العمل، دادگاههای کشور درخواست افزایش اجاره بها را از موجبران نمی پذیرفتند. اینک باید انتظار داشت که بزودی دهها هزار پرونده در دادگاهها علیه مستأجرین برافند.

باید یاد آور شد که از اول آذرماه گذشته، شورای انقلاب کلیه اجاره بها های خانه های مسکونی را ۲۰ درصد کاهش داد. گرچه این کاهش دد اساسی را در واقع نمیکرد، با وجود این میلیونها مستأجر را امیدوار ساخت که بالاخره شورای انقلاب به کنه یکی از مشکلات اساسی مردم پی برده است. در این فاصله مبارزه میلیونها انسانی که عمری

توضیح و تصحیح

در شماره ۱۴۴ «مردم» مطلبی تحت عنوان «آیا راست است؟» درج شده بود که در آن گفته میشد «اعلامیه های مبنی بر تبلیغ حزب رستاخیز در هنرستان صنعتی تهران، بخش ششم است و در آن همچنین آمده بود که «مسئولین هنرستان صنعتی تهران هیچ عکس - الملی نشان نداده اند».

بدنبال چاپ این مطلب، نامه های از طرف رئیس هنرستان صنعتی تهران و اتیوه اسلامی هنرستان صنعتی تهران در هنرستان جوان هنرستان صنعتی تهران به مسلمان هنرستان صنعتی تهران به «مردم» رسید که مطلب فوق را تکذیب کرده بودند.

توضیح و تصحیح

برای توضیح و تصحیح باید افزود که آنچه بعنوان «اعلامیه» در «مردم» درج شده است، «پرچم» های مخصوص حزب منحل شده رستاخیز بوده و بخش این اتیکتها بطور پنهانی در وزارت چرم مسئولین هنرستان انجام پذیرفته است.

نامه های وارده به «مردم» نشان میدهند که مسئولین و هنر - جوان هنرستان فوق بهیچوجه با این عمل ضد انقلابی موافق نبوده اند که باعث خوشحالی است.

ما ضمن اعلام این مطلب،

این نکته را هم به همگان متذکر شویم که بهتر است وقتی ما سؤال می کنیم، «آیا راست است...»، هر کس که مطلب نوشته شده را راست نمیداند، ددو کلمه با بنویسد که «راست نیست»؛ اینکه مثل برخی ها تکذیب خود را امر با اهانت و افترا کند، که البته ما بدان پاسخ نمی گوئیم.

تصحیح در شماره ۱۴۲ روزنامه مردم، در تاریخ ۲۴ دیماه، خبری مربوط به سرنوشتی رازی درج شده است که در آن تعداد پرسنل در این مرکز ۱۲۰ نفر اعلام گردید، که اشتباه چاپی بوده است. بدینوسیله با اطلاع خوانندگان میسرانیم که تعداد پرسنل در واحد

منتشر شد: پرسش و پاسخ درباره مشی سیاسی حزب توده ایران (بخش دوم) نورالدین کیانوری

فرم ارگان مرکزی حزب توده ایران دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ تلفن: ۹۳۵۷۲۸-۹۳۳۴۵۹ چاپ: کویان

MARDOM No 148 22 January 1980 Price: West - Germany 0.80 DM France 2 fr Austria 8 Sch. England 20 P. Belgium 10 fr. Italy 350 L. USA 50 Cts. Sweden 1.50 Skr.

با اتکاء به پیام تاریخی امام خمینی، مسئله کردستان را از راه مسالمت آمیز، با تأمین حقوق ملی، خلق کرد، سهواً انقلاب ادان، خا...